

سبزه‌ترین اندیشه

خدا مراد سلیمان

کسانی که دچار ناامیدی و سرخوردگی هستند، نه تنها در آینده خود جز تاریکی چیزی نمی‌بینند، که حال خود را نیز آکنده از سیاهی و تاریکی می‌کنند. حال باید پرسید، چگونه باید به انتظار راستین دست یافت؟ در پاسخ این پرسش به چند ویژگی باید اشاره نمود.

۱- خودسازی فردی

کسی که در انتظار موعود است، همواره متوجه این امر است که این دگرگونی، پیش از هر چیز، نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشند و این امر نخست، نیازمند به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه‌ی بزرگ است.

تنگ نظری‌ها، کوتاه بینی‌ها، کج فکری‌ها، حسادت‌ها، اختلافات کودکانه و نابخردانه و به‌طور کلی، هر گونه دورویی و پراکندگی، با موقیعت «منتظران واقعی» سازگار نیست؛ بنابراین، انتظار یک مصلح جهانی، به معنای آماده باش کامل فکری، اخلاقی، مادی و معنوی، برای اصلاح همه‌ی جهان است. فکر کنید، چنین آماده باشی چه قدر سازنده است؟

اصلاح همه‌ی زمین و پایان دادن به همه‌ی نابسامانی‌ها، کار ساده‌ای نمی‌تواند باشد و آماده باش برای چنین هدف بزرگی باید همه جانبه باشد.

برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی، به مردانی بسیار بزرگ و مصمم، بسیار نیرومند و شکست‌ناپذیر، فوق العاده پاک و بلندنظر، کاملاً آماده و دارای بیش از عمیق لازم است.^۱

۲- خود یاری‌های اجتماعی

منتظران راستین، وظیفه دارند تنها به خویش نپردازند، بلکه مراقب حال یکدیگر باشند و علاوه بر خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه‌ی بزرگ و سنگینی که انتظار را می‌کشند، یک برنامه فردی نیست.

در یک میدان وسیع مبارزه‌ی دسته جمعی، هیچ فردی نمی‌تواند از حال دیگران غافل بماند، بلکه وظیفه دارد هر نقطه ضعیفی را در هر کجا که می‌بیند، اصلاح کند، هر موضع آسیب‌پذیری را ترمیم نماید. و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند؛ زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ همه‌ی مبارزین، پیاده کردن چنان برنامه‌ای امکان‌پذیر نیست.

۳- حل نشدن در فساد محیط

اثر دیگری که انتظار موعود دارد، حل نشدن در فساد محیط و عدم تسلیم در برابر آلودگی‌هاست.

هنگامی که فساد فراگیر می‌شود و گروه زیادی را به آلودگی می‌کشاند، گاهی افراد پاک، در یک بن بست سخت روانی قرار می‌گیرند؛ بن بست‌ی که از یأس اصلاحات سرچشمه می‌گیرد.

گاهی آنها فکر می‌کنند کار از کار گذشته و دیگر آمیدی به اصلاح نیست و تلاش برای پاک نگاه داشتن خویش بیهوده است. این یأس و ناامیدی ممکن است آنها را به تدریج به سوی فساد و هم‌رنگی با محیط بکشاند و

می‌کند، این است که انتظار، مرکب از دو عنصر است؛ عنصر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی، عبارت است از بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات، یعنی خواهان وضع بهتری بودن.

اگر دو جنبه‌ی بالا، در انسان ریشه‌دار شود، دو پی آمد بسیار با ارزش را به دنبال خواهد داشت؛

ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عواملی که وضع موجود را پدید آورده‌اند و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های جسمی، روحی، مادی و معنوی، برای شکل گرفتن وضع مطلوب از سو دیگر^۲

مرحوم علامه مطهری (رحمه‌الله) پس از اشاره به اندیشه‌ی پیروزی نهایی نیروی حق بر باطل و ریشه‌دار بودن آن بین همه‌ی مردم و اعتقاد مسلمانان به حضرت مهدی (ع) به عنوان مجری این حاکمیت، چنین می‌نویسد: «امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی در زبان روایات «انتظار فرج» از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن، اصل «حرمت یأس از روح الله» است.

مردم مؤمن به عنایت الهی، هرگز و در هیچ شرایطی، امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم ناامیدی و بیهوده‌گرایی نمی‌گردند. چیزی که هست، این «انتظار فرج» و این عدم یأس از «روح الله» در مورد یک عنایت عمومی و بشری است، نه شخصی یا گروهی و بعلاوه، توأم است با نویدهای خاص و مشخص که به آن قطعیت داده است.^۳

از روایات اسلامی به روشنی استفاده می‌شود، انتظار فرج و چشم داشتن به ظهور، باید با مواظبت بر وظیفه‌های شرعی و فضیلت‌های اخلاقی همراه باشد؛ بلکه آمادگی برای درک محضر امام زمان (عج) که تنها بازمانده‌ی خاندان وحی و پیشوایان دین است و برای برپایی عدل و داد و اقامه‌ی حق در سراسر گیتی به پا خواهد خاست، در مفهوم انتظار نهفته است.

انتظار موعود نه تنها نوید بخش آینده‌ی زیبا و باشکوه است، که خود اگر درست مورد توجه قرار گیرد، زندگی زیبا و باشکوهی را رقم خواهد زد. و البته در روایت‌های فراوانی آمده است که خود انتظار فرج، از بزرگ‌ترین فرج‌هاست^۴

امروزه در دانش روز هم به اثبات رسیده که امید به آینده‌ی خوش و انتظار زندگی بهتر، بویژه زندگی موافق با فطرت پاک انسانی، سهم به سزایی در سرشار کردن در زندگی کنونی از نشاط و خوشی فرد دارد؛ پس به آسانی می‌توان گفت، انتظار گشایش و فرج خداوند داشتن، خود، بخشی از گشایش الهی است^۵ و در مقابل،

تردیدی نیست که انتظار گشایش، بهترین کارها نزد خداوند است. اما نخست باید دانست انتظار به چه معناست و زندگی با انتظار، چگونه زیستنی است؟

در این نوشتار، به پاسخ این پرسش، اشاره کوتاهی خواهیم داشت.

انتظار به معنای چشم به راه بودن و درنگ کردن به امید پیشامدی خاص و به بیان دیگر، انتظار، «کیفیتی است روحی که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی است برای آن‌چه انتظار دارند و ضد آن حالت، یأس و ناامیدی است»^۶ بنابراین، می‌توان گفت: این ویژگی تنها به زندگی انسان ارتباط دارد.

ماهیت زندگی انسان، با انتظار و امید به آینده عجین است؛ به گونه‌ای که بی انتظار، زندگی مفهومی ندارد و تهی از شور و نشاط لازم است.

پیامبر رحمت آخرین سفیر الهی و حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این حقیقت بلند را قرن‌ها پیش بر بام فریاد کرد که: «امید راستین برای امت من رحمت است، چه آن‌که اگر آرزو نبود، هرگز مادری فرزند خویش را از شیرهای جان سرشار نمی‌ساخت و هیچ باغبانی زحمت کاشتن درختی را به خود نمی‌داد»^۷

آری! زندگی امروز، ظرف پویایی، تلاش و حرکت به سوی فردا است و پویایی و حرکت، بی «انتظار» ممکن نیست؛ زیرا امید به پایداری و جاودانگی زندگی فردا است. که به زندگی کنونی معنا می‌بخشد و پویایی و نیروی لازم را برای ادامه‌ی آن به ارمغان می‌آورد.

پدیده‌ی انتظار، آثاری دارد. نخستین اثرش این است که انسان را به گرایش و حرکت در مسیر سازگار با انتظار بر می‌انگیزد و از هر حرکت و گرایش ناسازگار با آن باز می‌دارد.^۸

یکی از امور مهمی که ارزش انتظار را معین می‌کند، چیزی است که انسان در انتظار آن به سر می‌برد. آن‌چه را که انسان چشم به راه آن است، هر اندازه ارزشمندتر باشد، چشم به راهی آن هم با ارزش‌تر خواهد بود.

از امیدهای متعالی است که بشر همواره تشنه‌ی آن بوده است. اگر چه بیش تر ادیان و ملل، به نوعی در انتظار چنین جامعه‌ای به سر می‌برند، ولی به نظر می‌رسد «مهدویت» که در جامعه‌ی مسلمین مطرح است، شکل کامل آن ایده است.

با این بیان می‌توان گفت: مهدویت، سبزه‌ترین اندیشه‌ای است که خداوند به انسانیت هدیه کرده است و می‌رود تا با به شکوفه نشستن، جهان هستی را به عطر دل‌انگیز خود طراوتی بهشت گونه بخشد و انتظار پدید آمدن آن جامعه‌ی الهی، از برترین اعمال است.^۹ آن‌چه در نگاه نخست به مسأله‌ی انتظار خود نمای

بازی با اسلام می خواهیم جوانان

زهرا دهخدا



بخش دوم:

پرسش ها و پاسخ ها پیرامون روان شناسی

در بخش مذکور، مفهوم خوشبختی و رموز آن از دیدگاه معصومین (علیهم السلام) مطرح می شود. هم چنین راه های جلوگیری از فشارهای روانی، با عنوان «توکل به خدا»، «عزت نفس» و «صبر و امیدواری» بیان می گردد.

نویسنده محترم در قسمت هایی از این بخش به آخرین و جدیدترین روش مبارزه با استرس و راه های درمان ضعف اعتماد به نفس می پردازد و این راه ها را در «تماز»، «استغفار»، «تلاوت قرآن» و «توسل به پاکان و معصومان» جستجو می کند.

بخش سوم:

پرسش ها و پاسخ های قرآنی

جوانان دوست دارند لذت شیرینی ارتباط با قرآن را بچشند و... آنان می خواهند از حکمت قرآن، فلسفه آن و نزول تدریجی قرآن بدانند. در این بخش سئوالات قرآنی مطرح می شود.

بخش چهارم:

پرسش ها و پاسخ های تربیتی و پرورشی

این بخش شامل مطالبی پیرامون رازها و راه های سالم ماندن و طول عمر، تأثیر روحی - روانی رنگ ها بر زندگی که انسان، دیدگاه آموزه های آسمانی درباره ورزش و بازی و... می باشد. چند سطر از فصل «جوانی» این کتاب را با یکدیگر مرور می کنیم:

«جوانی ایامی سرسبز و به یادماندنی است که با عطر «عشق» و رایحه «اندیشه» همیشه شاداب می ماند و فردا و فرداهایی پس سعادت آفرین می آفریند؛ این دوران با نوشته های نوپرداز، شیک و پرجاذبه رنگی دیگر می یابد و با یافتن «هویت» و «شخصیت» تحولی پر عظمت از خود نشان می دهد.

... و جوانی زمان زرین و صبح سپید و طلایی حیات انسان هاست که با طلوع خورشید «دانش و بینش» و نسیم حضور «مسیح نفس والا» ارزشی صدچندان می یابد و الگویی ماندگار برای همگان می شود.»

پی نوشت ها:

(۱) بحار، ج ۱۷، ص ۴۹.

به پنهان معرفی کتاب «جوانان، پرسش ها و پاسخ ها» (جلد اول)

نویسنده: احمد لقمانی

ناشر: انتشارات بهشت بینش

نوبت چاپ: اول / مهرماه ۱۳۸۲

قیمت: ۱۸۰۰۰ ریال

پاس، بوی مهربانی می دهد

عطر دوران جوانی می دهد

کاش درهای جوانی باز بود

نیمه شب ها، مهربانی باز بود

ما سر خود را اسیری می بریم

ما جوانی را به پیری می بریم

دوره بلوغ و جوانی یکی از بحرانی ترین دوران زندگی

می باشد. این دوره، دوره سردرگمی ها و اشتباه هاست.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) جوانی را نوعی جنون دانسته و

فرموده اند: «الشباب شعبة من الجنون»^(۱) ابهام و

سردرگمی، محدود بودن دانش و تجربه جوانان، انسان

را به سمت خطا و انحراف می کشاند. جوان، لبریز سوال

است و تشنه دانستن. چگونگی پاسخ دادن به سئوالات

او در رشد و کمال و یا تباهی او تأثیر به سزایی دارد. پس

جوان برای اینکه راه درست زندگی را بیابد، نیاز به

زمینه های تربیتی مناسب دارد.

همین امر، نویسنده متعهد و دلسوز مجموعه دو جلدی

«جوانان، پرسش ها و پاسخ ها» را بر آن داشته است که

بیش از دویست پرسش و برای نسل جوان پاسخ گوید.

هم چنین نویسنده از مشورت صاحب نظرانی و الامقامی

چون بعضی از مراجع تقلید و یا مشاوران ارشد آموزش

عالی بهره مند گشته است.

موضوعات جلد اول مجموعه مذکور به شرح زیر

می باشد:

بخش اول:

پرسش ها و پاسخ ها پیرامون جوان و جوانی

در این بخش موضوع جوانی آغاز می شود و از الگوخواهی و الگویابی نسل جوان سخن می رود. نویسنده در این بخش متذکر می شود که این الگویابی، خط فکری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوانان را تا پایان عمر ترسیم می کند و چه بسا ممکن است که ارایه الگوهای نامناسب و غیر مطلوب از سوی دشمن، غیرت دینی و مذهبی جوانان ما را تهدید کند.

توانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند و هم رنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند.

تنها چیزی که می تواند در آنها «امید» را زنده نگه دارد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است؛ تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش برای حفظ پاکی خویش و اصلاح دیگران بر نخواهند داشت.

به همین دلیل، امید را می توان همواره به عنوان یک عامل موثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت، همچنین افراد صالحی که در محیط فاسد گرفتارند، بی امید نمی توانند خویشتن را حفظ کنند.^{۱۰}

از آن چه اشاره شد، به خوبی می توان دریافت که چرا معصومین (علیهم السلام) برای انتظار فرج و گشایش، به ویژه در دوران پنهان زیستن آخرین حجت الهی، قایل بوده اند. کوتاه سخن این که انتظار، باوری است، بارور به عمل که در زندگی انسان منتظر، در قالب کرداری خاص، تجسم می یابد. دست روی دست گذاردن و بی هیچ کنشی منتظرانه خود را منتظر دانستن، تفسیری وارونه و منافقانه از انتظار است.

انتظار، اعتقادی است در گرو عمل؛ عمل کردن به آن چه که فرهنگ انتظار ایجاب می کند.

انتظار، چشم داشتن به حاکمیتی است که در آن، ناپاکان، ستم گران، متظاهران بی اعتقاد و معتقدان بی کردار، به شمشیر عدالت و دیانت سپرده می شوند.

دین، از بدعت ها و کجی ها و دورویی و ناروایی ها، پیراسته می گردد.

نادرستی ها و ناراستی ها کنار می رود، کاخ های به ظلم افراشته ی تاریخ، سقوط می کنند، زنجیرهای نادانی و اسارت گسسته می شوند، نابخردی ها و ناحقی ها پایان می یابند، دنیای ناراستان به فرجام می رسد.

شخص منتظر، خود ساخته ای آماده ی پیوستن و درآمدن در صف نهضت و قیامی که نهمین سلاله ی حسین (ع) آن را رهبری می کند و همه سنگرهای ظلم و ستم و پلیدی و نفاق و ناپاکی و بدعت را فرد می ریزد و حق و حق پرستی و درستی و راستی و عدالت را جایگزین آن می کند.^{۱۱}

پی نوشت ها:

۱. رک: مکالمات، ج ۲، ص ۱۵۲.
۲. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۵.
۳. حکیمی، محمد؛ عصر زندگی، ص ۲۶۱.
۴. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸.
۵. رک: مکارم شیرازی ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۸۱.
۶. مطهری، مرتضی؛ قیام و انقلاب مهدی (عج)، ص ۱۴.
۷. شیخ صدوقی؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹.
۸. شیخ طوسی؛ کتاب الغیبه، ص ۴۵۹.
۹. رک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۷.
۱۰. تفسیر نمونه؛ ج ۷، ص ۳۸۷ - ۳۸۴، با تصرف.
۱۱. جمعی از نویسندگان؛ چشم به راه مهدی (عج)، ص ۲۲۲.